

# فلسفه مجازات

## سزای

الشَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا  
فَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ .

مائده آیه ۳۸ ر

پای بشکسته از آن به که بتاحق خیزد قطع دستی که بخواهد شری انگیزد  
بهدر خونی کسی باد که اندر همه عمر فکر و ذکرش همه آنست که خونی ریزد  
در بحثهای گذشته یاد آور شدیم که حدود و قصاص نهادر جامعه اسلامی قابل اجرا  
است نه در جامعه غیر اسلامی و جامعه طاغوتی و حکومتهایی همچون رژیم منفور سابق که  
بعلی قوانین اسلامی قابل اجرا نبود ...

پس برای اجراء احکام بویژه قوانین کیفری اسلام، نخست باید محیط و جامعه را  
مساعده کرده و محیط اسلامی پدید آورد. و آنگاه در حکومت اسلامی همگام با اجرای سایر احکام  
اسلامی حدود را نیز اجراء نمود. نه آنکه در کشورهایی که ظاهری از اسلام دارند ولی  
وابسته به بیگانه و ضد اسلام اند، دم از اسلام می زنند و از روح اسلام بیگانه اند، دست آفتابه  
دزدها را می برند ولی شتر دزدها و غارتگران بیت المال و ثروت های عمومی آزادند که  
نمونه اش رادر باره ای از کشورهای اسلامی مشاهده می کنیم، چنان کشورهایی که بهشت شتر

دزدها و غارتگران و جهنم آفتابه دزدها است .. !

اگر اسلام برای دزدی، حدمعینی می کند . ودست سارق را می برد، شرایط زیاد و قیود ویژه ای دارد و آنچنانکه برخی پنداشته اند بی حساب نیست !!

این حدود نخست در جامعه اسلامی پیاده می شود که مردم به وظایف دینی، اخلاقی و اسلامی خویش آشنا باشند و احکام اسلام پیاده گردد ، جلواجحاف و ستم و بیعدالتی گرفته شود، ثروتها، عادلانه تقسیم گردد، شکاف طبقاتی و فقر عمومی نباشد ، دست غارتگران و چپاول گران کوتاه شود، حقوق مستمندان و بینوایان اداء گردد ، برادری و روح اخوت اسلامی برقرار شود، تا کسی در آتش فقر و بدبختی و محرومیت نسوزد که بخاطر شکم و نان دست به دزدی یا خود فروشی ..،زند !!

اگر حکومت اسلامی پیاده شد ، عدالت اجتماعی برقرار گردید ، حقوق همسایگان و محرومان اداء شد و طبقه حاکم و مرفه علی وار در کنار طبقه محروم قرار گرفته و زنان نشان فاطمه وار در کنار توده ها و محرومان و همسان با آنان زندگی کردند ، افراد جامعه از رفاه نسبی برخوردار شدند ، غذا و مسکن ، بهداشت و فرهنگ عمومی تأمین شد و روح ایثار و گذشت زنده شد و آرزوی زور اندوژی از جامعه رخت بر بست ، در چنان جامعه ای هرگز کسی بخاطر شکم و فشار و بدبختی دست به سرقت نمی زند و اگر هم زد، معلوم است که ریگی به کفش دارد و خیانت پیشه و متجاوز است و باید دست متجاوز کوتاه شود . و مردم و جامعه را از شر او نجات داد . بعلاوه در چنین جامعه ای دزدی خود بخود ریشه کن می شود و مسأله قطع دست سارق بندرت اتفاق می افتد .

زیراهمگام با پیاده شدن سایر مقررات و اجرای دقیق مقررات اسلامی، جزمستی خائن و بدسرشت ، کسی به فکر تجاوز و خیانت نیست، این عده معدود هم با اجرای دقیق مجازات و گور خود را گم می کنند و معمولاً جرأت اقدام به خیانت را نخواهند داشت پس این پندار، مغرضانه است که خیال کنیم با اجراء حدود و قصاص اسلامی در جامعه حمام خون راه می افتد و جامعه تبدیل به سلاخ خانه می شود . هرگز چنین نیست!

چون علاوه بر اینکه در اجرای این حدود شرایط و قیود زیادی پیش بینی شده است که مانع از اجرای بی رویه آن می شود (که بعداً مفصلاً بحث میشود جامعه نیز با پیاده شدن سایر مقررات و قوانین هم بسته با قوانین کیفری ، چنان به فضیلت و پاکی گرایش می یابد . که مجازات و مسأله قطعید بندرت اتفاق می افتد؛ تا آنجا که در گذشته هنگامیکه قوانین اسلامی اجراء می شد ، در عرض چهارصد سال تنها عبار اجراء حد سارق اتفاق افتاده بود (۱)

### مجازات سخت چرا ؟

مسأله سرقت نه تنها در جامعه اسلامی بلکه در تمام جوامع ملی و اصیل بازناتابی سخت، و مجازات سنگین حتی اعدام داشته است. وهم اکنون «در چین سرقت بزرگترین جرم .

است . « (۱)

برای پاسخ به سؤال مزبور نخست باید بدانیم که هدف ادیان و شرایع آسمانی نامین رفاه و امنیت و سعادت جامعه است و برای این منظور دفاع از پنج اصل مقدس و سعادت آفرین اجتماعی را به عهده گرفته و تجاوز و به فساد و تباهی کشیدن آنها را محکوم می کند و متجاوزین را سخت کیفر می نماید و این اصول عبارت است از : جان، عقل، مال، نسل ، عرض (آبرو و شرف انسانی) بعلاوه باید گفت که : تصمیم جهان بشریت برای مجازات دزد، روی این اصل است که از نقطه نظر واقع بینی ، مهم ترین و گرانبها ترین چیزی که انسان معمولاً درک می کند، زندگی اوست و وظیفه ای لازم تر و مهم تر و واجب تر از آن درک نمی کند که سعادت همین زندگی را تامین کند . یعنی او همواره در محیط اجتماع و بطور دسته جمعی تلاش کرده تا وسائل زندگی خود را که اقسام مال و ثروت مشروع است، فراهم نموده و مورد استفاده قرار دهد .

در حقیقت از نقطه نظر دقیق جامعه شناسی ، انسان نیمی از موجودیت زندگی خود را که نمی توان قیمتی برای آن قائل شد، صرف تهیه سرمایه زندگی برای نصف دیگر می کند .

و از نظر قوانین اقتصادی و بازرگانی ، مسلم است که حفظ کردن و در امان

**نگهداشتن هر کالائی از جهت ارزش ، مساوی است با ارزش همان کالا !**

و متاعی که هیچگونه امنیت و مصونیت از خطر ناپودی و فنا ندارد ، کمترین ارزشی هم ندارد . (بعلاوه تشکیلات عظیم بیمه های بازرگانی و کالاها در دنیای امروز ، خود نمودار همین حقیقت یاد شده است) پس حفاظت و در امان بودن فرآورده های انسانی بطور کلی ارزش نصف عمر او را دارد . چنانکه ارزش امنیت جانی انسان مساوی است با ارزش تمام عمر وی . و همچنان که شکستن و نابود کردن حصاری که گرداگرد فرآورده های جامعهائی کشیده شده مساوی است با نابود کردن نیمی از زندگی آن جامعه ، همانطور هم از میان بردن امنیت جانی جامعه ای مساوی است با از بین بردن تمام نفوس آن جامعه :

و بهمین مناسب قرآن کریم می فرماید : (مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِتَغْيِيرِ نَفْسِ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا) (۲) «کسی شخصی را بدون جرم قتل با فساد در زمین بکشد گوئی تمام مردم را کشته است !»

در اینجا ممکن است این سؤال پیش آید که چرا اگر کسی بکنفریبگناه را کشت مثل

اینکه همه را کشته است ؟

ج- چون حرمت مال و جان انسانی مثل مرز و حریم و حصار است و تا مرز و حریم شکسته

نشده ، احترام و امنیت هست .

ولی وقتی که مرز و حریم شکسته شد ، امنیت نیست حرمت نیست ، همه کس و همه

چیز و همه جا در خطر است . در نتیجه حیات و زندگی انسانها در مخاطره قرار می گیرد و برای

هیچ کس و هیچ چیز امنیتی وجود ندارد. چون قاتل با کشتن یکنفر حریم احترام بخون و جان مسلمان را شکسته و آدمکشی را باب نموده است گوئی باین کار، اقدام به کشتن همه کرده و جان همه را در خطر انداخته است ... و چنین است حریم و ارزش و امنیت های مالی و جانی !!

پس دزدی که زحمات و دست آوردهای انسانی را بخطر انداخته و امنیت مالی جامعه را سلب کرده و حصار و مرز قانون را شکسته است باید با مجازات سختی روبرو شود که تصور اجرای آن و ترس از عواقب خطرناکش، مانع شود که به حریم مالی جامعه تجاوز کند و با امنیت مالی محیط انسانها را بخطر اندازد..

پس در اصل مجازات سارق و دزد و این که باید با مجازات سختی روبرو شود، نباید تردید داشت .

### بریدن دست چرا ؟

و اما چرا باید این مجازات با بریدن دست دزد انجام پذیرد و در چه شرایطی و در کجا و چگونه این مجازات صورت می گیرد ؟ از بحث زیر روشن می گردد . از بررسی مجازات قصاص و حد در اسلام چنان بر می آید که در این آئین معمولاً هر کجا صدمه ای را که جانی بر مجتبی علیه وارد ساخته است، اسلام آنرا مثل کرده و بصورت حد یا قصاص بر خود جانی وارد می سازد . تا این کار علاوه بر جنبه های تامین سلامت اجتماعی و امنیت مالی و جانی افراد کیفری برای عمل وی یا عبرتی برای دیگران نیز گردد .

و با توجه به این که جنایت در این گونه موارد در واقع نابود ساختن نصف حیات دیگران است، آنرا نمی توان با مبلغی کم یا زیاد جریمه نقدی، یا چند روز و چند ماه حبس و زندان جبران کرد .

و همانطوری که در مقالات پیش اشاره شد، اجراء چنین مجازات هائی که در اکثر کشورها، متداول است نه تنها کمترین اثری برای جلوگیری از فساد نداشته، بلکه دزدی و جنایت و ... را دامن زده و گسترش داده است که ملاحظه خواهید کرد .

پس مطابق بررسی فوق و روی محاسبه دقیق و واقعی در اسلام به تعبیر فیلسوف عالیقدر علامه طباطبائی : (یکدست دزد که تقریباً معادل با نصف تلاش حیاتی وی میباشد بریده می شود) تا هم کیفر متعادل با جنایت او داده شود و ضمناً هم دست تجاوز و تجاوز کوتاه گردد !

با این بیان کوتاه، یک سلسله اشکالات روشن فکر مآبانه و دلسوزانه در این باره بر طرف می شود .

اشکال معروف که منسوب به ابوالعلاء معری روشن فکر و فیلسوف ... به شخصیت علمی و دینی عصرش مرحوم علامه سید مرتضی نیز نمودار همین گونه اشکالها است او ضمن شعری می گوید :

«يَدُ بَخْسٍ مَبِينٍ عَسَجْدًا وُدَيْتَ مَا بِالْهَأْ قُطِعَتْ فِي رُبْعِ دِينَارٍ»  
دست با ارزشی که اگر آنرا بشکنند .. باید پانصد دینار طلا، دیده دهد پس چرا برای

ربع دیناری ، قطع شود ؟ !

مرحوم سید مرتضی در پاسخ آن این شعر را سرود که :

«عِزُّ الْأَمَانَةِ أَعْلَاهَا وَ أَرْخَصَهَا ذُلُّ الْخِيَانَةِ فَافْهَمْ حِكْمَةَ الْبِنَارِي

نکته و فلسفه احکام خداوند را بدان که : امانت و پاکی به آن دست ارزش داده و قیمتش را بالا برده است ولی خیانت و شکستن حریم قانون و امنیت مالی آنرا بی ارزش ساخته است ..»

راستی آنانکه منطقه شان این است که یک فرد انسان بوسیله دست خدا داده باید تا آخر عمر برای زندگی و رفاه خویش بکوشد و مشکلات خود را حل کند چرا باید در اثر يك دزدی و خیانت و يك اشتباه بریده شود و تا آخر عمر بیچاره گردد .. «

اینگونه افراد از راه چاره جوئی و برانگیختن حس ترحم و عواطف انسانی در واقع اصل جنایت را پذیرفته اند که دزد مرتکب جنایت شده است ولی به خطر آن توجه ندارند. زیرا متابعت از عاطفه در حقوق فردی مانعی ندارد و در اسلام بارها بدان سفارش شده است و از راههای مختلف در مورد حقوق فردی تأکید شده که حتی الامکان در آنجا که پای مصالح عمومی و اجتماعی مطرح نیست، از حقوق شخصی چشم پوشی شود و حتی در برخی از موارد قصاص و حدود هم، خداوند می فرماید: که طرف را عفو کنند ... «وَأَنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (۱) و اگر به بخشید و چشم پوشی نمائید و ببامرزید ، خداوند آمرزنده و مهربانست: «فَمَنْ عَفَىٰ عَنْهُ لِمَنِ أَحْبَبَ شَيْءٌ فَأَتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ» (۲) و اگر صاحب خون از برادر دینی خود درگذرد بدون دیه یا با گرفتن دیه، پس کار نیکوئی است .

ولی در موارد حقوق اجتماعی و آنجا که امنیت جانی و مالی در خطر است و تجاوز به حریم مالی ملت همانند يك بیماری و آگیردار به دیگران سرایت می کند، بکار بردن عاطفه و حس ترحم برای يك جانی و مجازات آن، در حکم خیانت به جامعه است.

رها کردن يك جانی و دزد و حفظ آبروی آن لطمه زدن به سعادت و امنیت میلیونها انسان بی گناه است و بی تفاوتی و سهل انگاری نسبت به امنیت مالی و مصالح جامعه و حدود و ثغور شرع و قانون است و به منزله آنست که :

ترحم بر پلنگ تیز دندان      ستمکاری بود بر گوسفندان

«منتسکویه» می گوید : مجازات نسبت به یک نفر شاید هم زیاد باشد ولی نسبت به تمامین عدالت اجتماع و رفاه و تامین مالی و جانی و ناموسی جامعه بسیار ارزنده است و ترحمات و دلسوزی در مقابل آن ناچیز است (۳)

راستی اگر اینگونه احساس ترحم و دلسوزیهای بیجا و رها کردن قصاص و حدود نبود، حال و روز جامعه ما به آنصورت که همه میدانید نمی افتاد و ملت مسلمان بر روی گنجینه های طلا و ثروت، گرسنه نمی خوابید. و این همه غارتگران دربار رژیم خائن و عوامل وابسته به آنها نمی توانستند آنچنان به چا پند و غارت کنند و تنها در سال گذشته روزی

۱- تفسیر المیزان ۲- تغابن آیه ۱۴

۲- بقره آیه ۱۷۸

۳- روح القوانين .

۵۰ میلیون دلار پول از این مملکت بیرون ببرند. تا آنجا که پولهای شاهخائن در بانکهای خارج بیش از ۱۵۴ میلیارد تومان بوده و خواهرش تنهادر یک شب در قمارخانه شهر (کان فرانسه) ۱۵ میلیون فرانک (بیش از ۲۰ میلیون تومان) باخته است. و فقط از یک معامله ۱۵۰ هزار تنی شکر هر تنی ۲۰۰ دلار یعنی جمعاً ۳۰٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ دلار رشوه بگیرد (۱) و با همان پولهای ما برضد انقلاب ما توطئه کنند!!

دزدی و ارتشاء و غارت در تمام شئون مملکت راه یافته بود و راستی که این شعر نمایانگر فساد آن عصر می باشد: «بکجا شکوه توان برد که درکشور ما. دزدی و بی شرفی همچون نظام اجباری است.

اگر حکومت اسلامی برقرار بود و مجازات های اصولی اسلام اجراء می شد این همه فساد توسعه نمی یافت.

چون زندان و حبس و ... در بسیاری از موارد دردی رادوانمی کند. و علاوه بر مفساد اخلاقی و تربیتی و صرف هزینه و اتلاف نیرو و بودجه، در زندانها، معمولاً اینگونه زندانیان نه تنها توبه نمی کنند بلکه راه دزدی را بهتر یاد می گیرند و با اصطلاح افمی های مارخورده ای هستند که اژدها میشوند.

سازمان اف. بی. آی. در گزارش خود دولت آمریکا و دادگاههای محلی را از خطر عفوزندانان و تخفیف کیفر آنان بر حذر داشت و یادآور شد که ۰٫۰۷۵ زندانی هائی که در سال ۱۹۶۳ با سپردن تعهد اخلاقی و ... آزاد شدند در مدت ۲ سال اخیر به اتهام ارتکاب جرائم مختلف بار دیگر بازداشت شده اند (۲)

و طبق گزارش مستند جنایات عمده مانند قتل، هتک ناموس و دزدی توأم با قتل بطور عجیبی در آمریکا زیاد شده است. (۳)

در بحثهای بعد شرایط و خصوصیتی که برای اجرای حدسرت لازم است و اینکه دست کدام دزد باید بریده شود و در چه جامعه ای باید اجراء شود و موارد استثناء و معاف بودن حدود در ایام جنگ و سالهای گرسنگی و قحطی را بیان خواهیم کرد.

ادامه در رد

دنباله: مصاحبه ای با یکی از رهبران ...

چنین کارهائی به عنوان انتقامجویی، خود داری می کنند زیرا عقاید اسلامی ما، اجازه کشتن بی گناهان و مردم بی سلاح را نمی دهد و روش پیامبر اسلام (ص) و یاران او، برای ما سرمشق است.

شیوه های جنایتکارانه حکومت مارکوس، هیچ تأثیری در عزم انقلابیون مجاهدان ندارد، و مابه پاری خدا تا آزادی کامل، و تا پیروزی نهائی خواهیم جنگید.

۱- جراید و مطبوعات.

۲- اطلاعات ۲۷/۷/۲۷

۳- اطلاعات شماره ۱۱۹۴۰